

نقش عوامل اقتصادی در شکل‌گیری جنبش مشروطه گیلان (بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۷ هـ ق)

محمد شورمیج، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور

چکیده

گیلان به‌عنوان یکی از مناطق مهم مشروطه‌خواه در ایران، همواره توجه پژوهشگران را به خود جلب نموده است. هدف اصلی تحقیق، تبیین مسائل و معضلات اقتصادی و معیشتی جامعه شهری و روستایی گیلان در آستانه انقلاب مشروطه است. لذا مسئله اصلی تحقیق این است، شرایط و موقعیت اقتصادی جامعه گیلان، تا چه اندازه در شکل‌گیری جنبش مشروطه (بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۷ هـ ق) تأثیر داشته است؟ در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی، مسئله اصلی تحقیق بررسی و تبیین می‌گردد. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد، علل شکل‌گیری جنبش مشروطه در گیلان، بیش از آن که تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار داشته باشد، درونی بوده و به وضعیت معیشتی اقشار جامعه روستایی و شهری گیلان و خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی مردم منطقه مرتبط بوده است. برقراری عدالت، بهبود اوضاع معیشتی و اقتصادی، رفع ظلم حاکمان دولتی و مالکان منطقه‌ای و جلوگیری از تجاوزات روس‌ها از مهم‌ترین خواسته‌های مردم گیلان در آستانه‌ی جنبش مشروطه بود که ریشه‌های اقتصادی داشته و در نهایت منجر به شکل‌گیری جنبش مذکور گردید.

واژگان کلیدی: مشروطه، گیلان، عوامل اقتصادی، جنبش روستایی، جنبش شهری.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۰۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۰۵

E-mail: m.shoormeij9@pnu.ac.ir

مقدمه

جنبش اجتماعی، عمدتاً به هرگونه کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدف اصلی از طریق عمل جمعی خارج از حوزه‌های رسمی اطلاق می‌گردد. البته اعتراض و شورش‌های اجتماعی نیز گاهی اوقات در قالب جنبش اجتماعی قرار می‌گیرند. زیرا اعتراض در جنبش‌های اجتماعی جایگاه خاصی دارد. لذا معنی جنبش شهری و روستایی در مقاله مذکور، نوعی حرکت و کوشش جمعی اعتراض‌آمیز است که بر نهادهای سیاسی و اجتماعی موجود تأثیر گذاشته و اساساً در جهت اعتراض خشونت‌آمیز نسبت به وضعیت خود بود. علت آن عمدتاً به خاطر اوضاع اقتصادی و سیاسی نامناسب و خودکامگی سیاسی موجود می‌باشد. نام‌گذاری آن به روستایی و شهری به دلیل خاستگاه، مکان فعالیت، جایگاه و گستردگی آن است. اهداف جنبش روستایی گیلان آستانه انقلاب مشروطه، در حد اعتراض جمعی محلی نسبت به وضع بد اقتصادی، مالکیت و رفتار بد مالکین و مباشرین آن‌ها با مردم بود، درحالی‌که اهداف جنبش شهری گیلان، علاوه بر موارد مذکور، از ایدئولوژی و برنامه‌ی گسترده‌ای برخوردار بوده و خواهان تغییرات بیشتری در نهادهای سیاسی، اقتصادی و افزایش حقوق اجتماعی و شهروندی بودند. مردم گیلان همواره در طول دوران حاکمیت قاجاریه به‌خصوص در زمان شکل‌گیری حرکت مشروطه (از زمان ناصری تا محمدعلی شاه)، به دلیل تغییرات پی‌درپی حکام و بی‌کفایتی اکثریت آن‌ها، دچار صدمات زیادی شدند. ظلم و ستم حکام دولتی و محلی و فشار مالیاتی به همراه مصائب طبیعی، اقتصاد منطقه را دچار مشکل کرد. از سوی دیگر، انتصاب شاهزادگان بی‌تجربه و حکام غیربومی و ناآشنا به حکومت گیلان، مشکلات سیاسی و اقتصادی منطقه را دوچندان نمود. بنابراین با افزایش آگاهی سیاسی مردم و اطلاع از اخبار روزمره مملکت از طریق مراکز شهری، شرایط لازم برای شکل‌گیری جنبش مشروطه گیلان فراهم گردید.

هدف اصلی پژوهش حاضر، تشریح و تبیین مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم گیلان در آستانه انقلاب مشروطه است تا با شناسایی آن‌ها، علت اصلی جنبش مذکور در گیلان تبیین گردد و همچنین روشن گردد برخلاف نظر برخی از نویسندگان به‌خصوص محققین خارجی، جنبش مشروطه گیلان ریشه در فعالیت‌های حزب سوسیال‌دموکرات قفقاز نداشته، هرچند آن‌ها در برپایی شورش‌ها و حرکت‌های تند کمک شایانی نموده‌اند.

برای تبیین مسئله تحقیق باید به دو مؤلفه اصلی توجه کرد؟ مؤلفه اول اینکه، در زمان شکل‌گیری جنبش مشروطه‌خواه شهری و روستایی گیلان، اوضاع اجتماعی و اقتصادی گیلان (بین

سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۷ هـ ق)، چگونه بوده است؟ مؤلفه دوم اینکه، مسائل اقتصادی گیلان، تا چه حدی در شکل‌گیری جنبش مذکور تأثیرگذار بوده است؟ در همین راستا این فرضیه طرح می‌گردد، در شکل‌گیری جنبش مشروطه‌خواه گیلان برخلاف نظر نویسندگان خارجی و برخی از محققین داخلی، بیش از آنکه عوامل خارجی به‌خصوص حزب سوسیال‌دموکرات قفقاز تأثیرگذار باشد، شرایط اقتصادی و اجتماعی داخل گیلان بیشترین تأثیر را داشته‌اند. در این پژوهش، بر اساس روش توصیفی-تحلیلی تاریخی به مسئله اصلی تحقیق پاسخ داده می‌شود.

پیشینه تحقیق

در زمینه مشروطه در گیلان، کتب و مقالات متعددی به نگارش درآمده است، ولی اکثریت آن‌ها، کمتر به تبیین عوامل اقتصادی در شکل‌گیری جنبش مشروطه گیلان پرداخته‌اند و بیشتر تحت تأثیر گزارش‌های کنسول روس و انگلیس از نقش عوامل خارجی حزب سوسیال‌دموکرات قفقاز در جنبش پرداخته‌اند. در بین نویسندگان داخلی، ابراهیم فخرائی در کتاب «گیلان در جنبش مشروطیت»، به اوضاع اجتماعی و فرهنگی گیلان در آستانه مشروطه نسبت به مسائل دیگر توصیف بهتری دارد. نویسنده در فصل عوامل شکل‌گیری مشروطه، به اوضاع فرهنگی و نقش نخبگان در شکل‌گیری آن توجه خاصی دارد و نگرش وی به نخبگان ملی بیشتر از مذهبی است. در بین پژوهشگران دانشگاهی، مقاله نصرالله پورمحمدی املشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی به جنبش‌های روستایی گیلان در عصر مشروطه»، بهترین پیشینه برای تحقیق مذکور است و نویسنده محترم به نقش عوامل داخلی به‌درستی تأکید دارد. وی، جنبش‌های روستایی در گیلان را تحت تأثیر شرایط اقتصادی، جغرافیایی، ملاکین و نوسازی منطقه‌ای بررسی نموده و در این راستا از نقش گروه‌های سیاسی جدید شهری در همراهی جنبش‌های روستایی به‌خوبی بحث نموده است. از آنجای که محور تحقیق جنبش‌های روستایی در دوره مشروطه است، لذا به‌طور ناخواسته توجه کمتری به علل اقتصادی برپای جنبش‌های مشروطه‌خواه شهری گیلان داشته است.

فاروق خرابی دیگر پژوهشگر دانشگاهی است که در مقاله «نقش انجمن‌ها در انقلاب مشروطه»، و بعد در کتابش به نام «انجمن‌های عصر مشروطیت»، به بررسی دو شاخصه اصلی انجمن‌ها در عصر مشروطه پرداخته است. وی، ابتدا از علل پیدایش انجمن‌ها بحث نموده و بعد به تقسیم‌بندی انجمن‌ها در دو قالب رسمی و غیررسمی پرداخته است. به نظر نویسنده، نقش انجمن‌ها در آگاهی سیاسی و

اجتماعی مردم علیه استبداد قاجار انکارناپذیر است و مردم با استقبال بی‌نظیر و فعالیت در چارچوب انجمن‌ها، نخستین مشارکت سیاسی و جمعی را تجربه کردند و توانستند برخی از حقوق از دست‌رفته خود را از دولتمردان بگیرند. در هردو اثر ارزشمند نویسنده، جریان کلی حرکت مشروطه‌خواهی گیلان بررسی شده و به علل اقتصادی در شکل‌گیری جنبش توجهی نشده است. دسته دیگری از پژوهش‌ها توسط پژوهشگران محلی گیلان به نگارش درآمده است. هومن یوسف دهی در کتاب «گیلان در انقلاب مشروطه» و محمدتقی پوراحمد جکتاجی در کتاب «جایگاه گیلان در انقلاب مشروطیت ایران» به‌طور مختصر کل جریان مشروطه در گیلان را توصیف نموده‌اند، لذا به علل شکل‌گیری جنبش مشروطه‌خواه در گیلان توجه کمتری داشته‌اند. در بین مقالات این دسته، قربان فاخته‌جوبنه در مقاله «اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گیلان در آستانه مشروطه» در مجله گیلان نامه، و هومو در مقاله «نگاهی به عوامل پیدایش و خواسته‌های جنبش دهقانان گیلان در دوره مشروطه» مجله ره‌آورد گیل، بحث‌های خوبی از اوضاع گیلان در آستانه مشروطیت ارائه داده است ولی به‌طور موردی به نقش عوامل اقتصادی در شکل‌گیری جنبش مشروطه گیلان نپرداخته است.

دسته دیگر تحقیقات خارجی است که اکثریت آن‌ها تحت تأثیر گزارشات کنسول روس و انگلیس در ایران، به نقش عوامل خارجی و تأثیر حزب سوسیال‌دموکرات قفقاز در مشروطه گیلان پرداخته‌اند. پژمان دیلمی در دایره‌المعارف ایرانیکا، در مقاله «گیلان در انقلاب مشروطه (۱۹۰۵-۱۹۱۱ م)» بیشتر با استناد به گزارشات رابینو (Rabino)، نیکیتین (Nikitine) و کتاب نارنجی، مشروطه گیلان را به‌طور مختصر توصیف نموده است. وی به نقش انجمن‌ها و سوسیال‌دموکرات‌های قفقاز در مشروطه گیلان اهمیت زیادی می‌دهد و درعین‌حال به حرکت‌های دهقانی نیز توجه دارد. نویسنده نظر تازه‌ای در این زمینه ارائه نداده است. ژانت‌آفاری در مقاله «شورش‌های دهقانی خزر در طی انقلاب مشروطه» ابتدا به بررسی برخی منابع از جمله روزنامه‌ها و گزارشات مجلس می‌پردازد و بعد به اقتصاد روستایی در اواخر قرن نوزدهم اشاره دارد. وی به ارتباط متقابل حرکت‌های دهقانی گیلان و آذربایجان اشاره داشته و به رشد انجمن‌ها به‌خصوص انجمن ایالتی و صنفی در رشت و تبریز بین سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۷ هـ ق توجه ویژه‌ای نموده است. نویسنده در ادامه به وضع تیول و شکایات مالکین از طریق انجمن ایالتی به مجلس می‌پردازد و درنهایت به شورش‌های دهقانی در رشت، به‌ویژه تالش توجه خاصی نمود. درمجموع آفاری، اوضاع نامساعد دهقانان و فعالیت انجمن‌های ایالتی و صنفی و ارتباط متقابل رشت و تبریز را از عوامل مهم شورش‌های دهقانی و پیروزی‌های آن‌ها می‌داند که تقریباً دیدگاهی شبیه پژمان دیلمی دارد. همچنین، «آبراهامیان» در کتاب ایران بین دو انقلاب و «جان فوران» در مقاومت شکننده،

نگاهی جامعه‌شناختی و گذرا به جنبش‌های شهری و دهقانی ایران در عصر مشروطه دارند، چون بحث اصلی آن‌ها گیلان نبوده است، به همین دلیل توجه خاصی هم به شکل‌گیری جریان مشروطه در گیلان نداشته‌اند. لذا در این پژوهش سعی شده است، با توجه به خلأ پژوهشی موضوع مذکور و با کمک منابع و پژوهش‌های قبلی، نقش عوامل اقتصادی گیلان در شکل‌گیری جنبش مشروطه گیلان (بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۷ هـ ق) مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱- نگاهی به وضعیت اجتماعی جامعه گیلان در آستانه مشروطه

از منظر اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران در عصر قاجاریه دارای چند قشر بانفوذ و قدرتمند پیشامدرن بود که در فرایندهای سیاسی و اجتماعی نقش مسلط داشتند. این اقشار شامل شاهزادگان، روحانیون، زمین‌داران، سران ایلات و عشایر و قشر روبه رشد بازرگانان و در حال رشد متوسط تحصیل‌کرده بودند. اقشار مذکور، از آنجاکه بخش مهمی از جامعه ایران را نمایندگی می‌کردند، در تحولات سیاسی نقش عمده‌ای داشتند (ملایی توانی، ۱۳۹۱: ۱۴۰). اما اقشار اجتماعی گیلان در دوره قاجاریه، از نظر جایگاه اجتماعی قدرت، ثروت و نفوذ شامل گروه‌های زیر می‌شدند: ۱- حکام و عوامل دولتی ۲- روحانیون ۳- ملاکین و خوانین ۴- تجار و اصناف شهری ۵- کشاورزان و کارگران که اکثریت جمعیت گیلان را تشکیل می‌دادند (فاخته جوبنه، ۱۳۷۱: ۲۴۲).

در روستاها، مالکان (ارباب) بنا بر مصلحت طبقاتی و منافع شخصی خود امور را حل و فصل نموده و به میل خود مالیات‌های جدید وضع می‌کردند. اربابان همواره سعی می‌کردند، سطح آگاهی رعیت را پایین نگه‌دارند تا از نیروی کارشان به‌سادگی بهره‌برداری کنند. لذا وضعیت اجتماعی در روستاهای گیلان بغرنج بود. هنگامی که مردم از شدت ظلم و جور حکام و خوانین منطقه زبان به اعتراض می‌گشودند، صدای اعتراض آن‌ها به مرکز نمی‌رسید یا اگر هم می‌رسید، هیچ‌گونه اقدام اساسی از جانب دستگاه حکومت قاجار در جهت تأمین منافع و حقوق مردم صورت نمی‌گرفت. از لحاظ حقوقی، رسیدگی به جرائم جزایی، بر اساس حکم شرع یا بر وفق عادت و سنت انجام می‌گرفت. نحوه تظلم خواهی بدین نحو بود که در برابر جور و ستم حکام وقت عریضه به شاه و صدراعظم و حکام شرع و عرف نوشته می‌شد اما این دادخواهی‌ها تأثیری نداشت یا اگر مثمر ثمر واقع می‌گردید، مستلزم آن بود که متظلم مقداری از املاک و دارایی خود را به یکی از حکام شرع یا شخص صاحب نفوذی انتقال دهد تا او حمایت متظلم را بر عهده گیرد (فخرائی، ۱۳۷۱: ۱۴). چنین وضعی موجب می‌گردید، متنفذین گیلان هر

چه بیشتر بر ضیاع و عقار خود بیفزایند و قشر پایین جامعه بیش‌ازپیش به فقر و درماندگی دچار گردند. لذا، گیلان در آستانه مشروطه شاهد اوضاع نامناسب اقشار تولیدکننده شهری و روستایی بود.

۲- نحوه اداره گیلان و تأثیر آن بر وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم (بین ۱۲۹۴

تا ۱۳۲۷ هـ)

در دوره قاجاریه قدرت و نفوذ حکومت مرکزی در گیلان افزایش یافت. حکام دولتی غالباً از بین شاهزادگان درجه اول یا رجال مهم دربار انتخاب می‌شدند و اختیارات آن‌ها بی‌حد و حصر بود و تنها در برابر شاه احساس مسئولیت می‌کردند. همین امر یکی از عوامل دشمنی و اعتراض مردم گیلان با حکومت قاجار بود. مسأله‌ی که بر شدت نارضایتی مردم می‌افزود، ورود شخصیت‌های نامأنوس به منطقه، خصوصاً به‌عنوان حاکم جدید بود. از این رو تغییر مداوم حکمرانان گیلان از دهه آخر قرن سیزدهم هجری، ثبات سیاسی منطقه را خدشه دار نمود و راه را برای تغییرات دیگر در ذهن و فکر مردم منطقه متجلی نمود (پورمحمدی املشی، ۱۳۸۶: ۵۷). بین سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۳۲۷ هـ ق حکام متعددی در گیلان فرمانروایی کردند، در اینجا به نمونه‌ای از عملکرد حکام گیلان که در تشدید نارضایتی و مشکلات اقتصادی منطقه مؤثر بودند، اشاره‌ای مختصر می‌گردد:

در سال ۱۲۹۴ هـ ق میرزا زکی ضیاءالملک به حکومت گیلان رسید ولی نتوانست نفوذ و قدرت قابل ملاحظه‌ای را در بین عمال بدست آورد و به دنبال آن شورش‌های در لاهیجان و تالش رخ داد. در سال ۱۲۹۶ هـ ق نایب‌السلطنه عبدالله خان والی به حکومت گیلان منصوب شد. او نیز با مطالبه مالیات‌های فراوان باعث رنجش و ناراحتی مردم شد. در سال ۱۳۱۴ هـ ق ملک منصورمیرزا شعاع‌السلطنه پسر مظفرالدین شاه به حکومت گیلان منصوب شد. در زمان وی، بار مالیاتی بسیاری بر دوش مردم گذاشته شد (رابینو، ۱۳۷۴: ۵۵۸-۵۵۹). زیرا شخصی طماع و حریص بود و در مدت کوتاه حکومتش در گیلان، اخاذی‌های بسیاری کرد (کشاوری، ۱۳۴۷: ۵۲). وی در برقراری مناسبات حسنه با علمای محلی توفیقی به دست نیاورد. کلنل کاساکوفسکی - فرمانده بریگاد قزاق ایران - درباره شرایط حاکم بر گیلان در این دوره می‌نویسد: «از هم اکنون ملت [شعاع‌السلطنه] را علیه خود برانگیخته است. بزرگ‌ترین [مخالف او] مجتهد رشت شریعتمدار است. در زمان حکمرانان گذشته،... این مجتهد در حل و فصل کلیه امور گیلان دخالت کلی داشته و ساعت‌های متمادی در حضور حکمران بوده و مشترکاً به رتق و فتق کلیه امور می‌پرداختند ... شعاع‌السلطنه با انتصاب به حکومت گیلان، شریعتمدار را به کلی کنار گذاشته و مستقلاً به اداره امور پرداخته و موجبات رنجش جماعات را فراهم نمود. شریعتمدار با

استفاده از عدم رضایت عمومی، امروزها اغتشاش‌های بزرگی علیه او برانگیخته است ربیع الاول ۱۳۱۴ هـ ق / ۶ اکتبر ۱۸۹۶ م» (کاساکوفسکی، ۱۳۴۴: ۸۹-۹۰). در دوره دوم والی‌گری سعدالسلطنه در گیلان (۱۳۱۶ هـ ق)، مسئله‌ای که باعث نارضایتی مردم گیلان شد، احداث راه شوسه انزلی - قزوین توسط کمپانی بیمه و حمل و نقل روسی بود. کار احداث راه توسط کمپانی روسی با استقبال اهالی همراه نشد و مخالفت علنی آن‌ها را در پی داشت. علمای دینی، رهبری گروه‌های شاخص مخالف را برعهده داشتند (کاظم بیگی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). مالکین و کشاورزانی که اراضی آن‌ها در مسیر راه قرار داشتند، با کار شرکت مخالفت می‌کردند. تجار نیز به خاطر عوارض حق‌العبور، از احداث راه ناراضی بودند.

در کنار این مشکلات، رفتار کارکنان روسی به خاطر بی‌توجهی به فرهنگ اسلامی و سنت‌های محلی و می‌خواری و مستی در ملاعام، نارضایتی اهالی را برانگیخت. همچنین، اعلانیه کنسول روس مبنی بر اینکه از رمضان ۱۳۱۶ هـ ق، از کلیه عابریین راه، حق راهداری اخذ خواهد کرد، نارضایتی را تشدید کرد. این اعلانیه، باعث واکنش فوری اهالی رشت و تظلم آن‌ها به حاجی مهدی شریعتمدار گردید. شریعتمدار در پاسخ به دادخواهی مردم، طی اعلانیه‌ای با استناد به توافقنامه ۱۳۱۳ هـ ق با کمپانی، اهالی گیلان را از راهداری معاف اعلام کرد اما سعدالسلطنه تحت فشار کنسول روس، مجبور به جمع‌آوری این اعلانیه گردید (همان: ۱۱۲-۱۱۷). این مسئله، سبب شورش مردم و حمله به ایستگاه‌های راهداری شد. با افزایش نفوذ علما و به چالش کشیدن سعدالسلطنه، دولت مرکزی مجبور شد با عزل حاکم، از تداوم بحران در شهر جلوگیری کند. در نتیجه، شورش مردم رشت در سال ۱۳۱۶ هـ ق و لغو راهداری از دست کمپانی روسی، بی‌تردید یک موفقیت بزرگ بود و وقوع این حرکت مقدمه‌ای برای جنبش شهری و روستایی آتی در گیلان گردید که به انقلاب مشروطه منجر شد.

در نتیجه، طی سی و سه سال، بین سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۳۲۷ هـ ق، بیش از بیست مرتبه حکام گیلان جابجا و تغییر یافتند. تغییر مداوم و سریع حکام نه تنها فرصتی برای اجرای برنامه‌های حکومتی بدست نمی‌داد بلکه تنش‌های سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای را تشدید می‌کرد و فقدان ثبات سیاسی در گیلان را در پی داشت. مسلماً این حکام در راستای اداره امور گیلان برای خود گروه‌های ذی نفوذ بوجود آوردند و با فراز و فرود هر حاکمی، گروهی که در رأس هرم قرار داشتند و از امتیازاتی برخوردار بودند، پس از مدت کوتاهی از آن محروم می‌شدند. از این رو برای دستیابی دوباره آن، همواره درصدد اعتراض با حکمران جدید بودند تا امتیازات قبلی را بدست آورند. لذا قشرهای اجتماعی ناراضی و موازی هم در گیلان آستانه مشروطه شکل گرفت که گاهی منافع یکی در تضاد با دیگری بود، این امر در شکل‌گیری جنبش مشروطه خواه شهری مؤثر بوده است.

۳- وضعیت اقتصادی و معیشتی دهقانان گیلانی و نقش آن در برپایی جنبش

مشروطه گیلان

وضعیت دهقانان در گیلان و مازندران نسبت به استان‌های دیگر ایران به‌طور نسبی بهتر بود. علت آن حاصلخیزی خاک، باران فراوان و نزدیکی به بازارهای روسیه بود. محصول عمده گیلان ابریشم خام بود. پس از لطمه‌ای که به تولید ابریشم وارد آمد، کشت برنج، تنباکو و چای در گیلان رونق یافت (سیف، ۱۳۷۳: ۸۹-۹۰). بنابر گزارش سال ۱۸۷۷ م / ۱۲۹۴ ق چرچیل کنسول انگلیس در رشت، جمع کنندگان مالیات، رقمی بیش از ده تا بیست درصد بیشتر از آنچه قرار بود، از دهقانان اخذ می‌کردند و مادامی که از این حد فراتر نمی‌رفتند، دهقانان احساس رضایت می‌کردند. همچنین، حکام باید پیشکش زیادی برای ادامه فرمانروایی خود به شاه پیردازند (همان: ۹۴). لذا زمانی که شاه و حکام آن در اجحاف کشاورزان و تولیدکنندگان سهمیم هستند، تظلم خواهی مردم تأثیری نداشت و باعث آسیب زیادی بر دهقانان می‌شد. به‌طوری که کنسول انگلیس در رشت به سال ۱۸۶۰ م / ۱۲۷۷ ق گزارش می‌دهد، دهقانانی که به خاطر مظالم مالیاتی و حکام دچار تنگدستی شدند، برای فرار از دست طلبکاران، ده خود را ترک می‌کردند (همان: ۹۵). لذا در نتیجه استبداد ریشه‌دار اقتصاد ایران، سهم کشاورزان تولیدکننده از محصول بسیار ناچیز بود. در نتیجه، دهقانان گیلانی اگر چه در مقایسه با دیگر دهقانان ایرانی مرفه‌تر بودند ولی مرفه‌ترین دهقانان نیز در چنین سیستمی فقیر و بی چیز بودند (همان‌جا). مشارکت فعال کشاورزان روستایی گیلان در انقلاب مشروطه از نکات قابل توجه در انقلاب مشروطه ایران بود، درحالی که انقلاب اصولاً حرکتی شهری است. نمایندگان دهقانی در شهرها به‌خصوص رشت و انزلی، با کانون سیاسی شهرها مانند انجمن‌ها ارتباط برقرار می‌کردند و نظرات خود را بیان می‌نمودند. انجمن‌های سیاسی فعالی چون، انجمن مجاهدین رشت، پشتوانه‌ای برای جنبش روستایی بودند. افراد رادیکال آن مانند میرزا رحیم شیشه‌بر و سید جلال شهرآشوب، از دهقانان اعتصابی حمایت می‌کردند. حتی رحیم شیشه‌بر از روستاییان خواست تا از پرداخت مال الاجاره به خوانین خودداری کنند (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۱۱).

آگاهی سیاسی جامعه روستایی گیلان به موقعیت جغرافیایی آن و فاصله کم آن‌ها با همدیگر و فاصله کم روستاها از شهر برمی‌گشت که در فرایند شکل‌گیری جنبش روستایی مؤثر بوده است. یک روستایی می‌توانست در یک روز، بعد از تهیه امکانات خود در شهر و آگاهی از جریان سیاسی و اجتماعی شهر، در عصر همان روز به منزل روستایی خود برگردد (پورمحمدی املشی، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۵). این

وضعیت در رشد و آگاهی مردم روستایی و ارتباط آن با جوامع شهری بسیار مؤثر بوده است. زیرا به خاطر فاصله نزدیک شهر با روستاها و سهولت رفت و آمد روستاییان در شهر و کسب اطلاع از اوضاع سیاسی و اقتصادی مملکت و آگاهی از حقوق خویش، روستاییان نیز درگیر جنبش‌های ضد حکومت شدند. خواسته‌های کشاورزان روستایی عمدتاً، عدم پرداخت مالیات و مال اجاره بود. آن‌ها خواستار حمایت از مشروطه‌ای بودند که به وضعیت آن‌ها به‌طور قانونی به‌عنوان رعایای مطلق مالکان و حکمرانان محلی خاتمه دهد (Dailmi, 2013, iranicaonlin/Gilan). در نتیجه، حرکت دهقانان گیلانی، خودجوش و به خاطر شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی بود.

گیلان در این دوره به مرحله‌ای از رشد تجاری کشاورزی رسیده بود که بیانگر رشد فکری آن‌ها بود. چون ایران در این دوره زمانی کشوری توسعه نیافته محسوب می‌شد. راهی که کشورهای توسعه نیافته برای گذار به دنیای جدید طی می‌کردند، تا حد زیادی به واکنش ملاکین ارضی نسبت به تجاری کردن کشاورزی بستگی داشته است (پورمحمدی املشی، ۱۳۸۶: ۶۷). تجاری شدن کشاورزی موجب از بین رفتن تعادل سنتی حقوق و تعهدات بین ارباب و دهقان می‌شد، در نتیجه جنبش‌های دهقانی به دنبال آن شکل می‌گرفتند (روکس بروف، ۱۳۶۹: ۱۲۰ و ۱۵۸). به احتمال زیاد در این دوره، گیلان به مرحله تجاری شدن کشاورزی رسیده بود، به همین جهت درتالش مردم امین‌السلطنه را سرقت کردند و فروختند. در اسالم و کرگانرود نیز کشاورزان، برنج خان را به فروش رساندند (بشیری، ۱۳۶۶ ج: ۱، ۱۳۴). به نظریکی از پژوهشگران، گیلان در این دوره، درصدد گذار از مرحله گروهی سنتی و اشتراکی به سوی حرکت‌های گروهی و انجمنی بود (پورمحمدی املشی، ۱۳۸۶: ۶۳). لذا، کشاورزان زیادی به تعدیات مالکین، اعتراض و تحصن نمودند و حتی اعلام کردند که دیگر مال‌الاجاره نمی‌دهند (آدمیت، ۱۳۵۵: ۴۶۸). به‌طوری که در اوایل ۱۳۲۶ هـ ق حدود پانصد نفر از مردان کشاورز روستایی در مسجدی در رشت به دلیل مخالفت با پرداخت مال‌الاجاره به مالکان تحصن کردند و انجمن عباسی نیز از آن‌ها حمایت کرد. در ادامه شورش‌های روستایی، مالکان گیلان از مجلس تقاضای کمک کردند و مضمون شکایات آن‌ها این بود که کشاورزان فکر می‌کنند، مشروطه به معنی نپرداختن مالیات و آزادی است و خواستار اصلاح وضع گیلان شدند. مجلس تهران نیز کشاورزان را به خاطر عدم پرداخت سهم مالکانه محکوم نمودند (Afary, 1991, vol. 23: p. 144).

همچنین، تجاری شدن کشاورزی بر مناسبات اربابی در شمال از جمله گیلان تأثیر گذاشت و سبب فشار بیشتری بر کشاورزان روستایی شد. حضور طبقه مالکین جدید که با خرید زمین، مالک شدند پیامدهای زیادی بر مناسبات ارباب و رعیتی گذاشتند و در مجموع باعث فشار بیشتر بر کشاورزان شدند

(نادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۸۶-۲۸۹). از جمله پیامدها، بی‌زمین شدن برخی کشاورزان بود. با تمایل ملاکین جدید از طبقه ثروتمند شهری و تصرف خصمانه زمین‌ها با حمایت دولت سبب شد برخی بومی‌ها زمین خود را از دست بدهند (همان: ۲۸۶). برای نمونه زمانی که اراضی آقا سلطان املشی گیلانی به تصرف قهرآمیز حاج شیخ آقا بزرگ مجتهد لنگرودی درآمد، وی طی نامه‌ای به منجم باشی حاکم گیلان تقاضای کمک و بازپس‌گیری زمین کرد (اسناد ملی ایران، شماره ۱۹۰۶۱/۲۹۶). اما بیشتر اوقات نتیجه‌ای نداشت و حتی در بهترین حالت به صدور حکمی مبنی بر تقسیم املاک میان آن‌ها منجر می‌شد (نادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۸۶). همچنین ایجاد فضای ناامنی در منطقه و دخالت در امور زراعی توسط مالکان جدید و عدم رسیدگی به امور کشاورزان از دیگر پیامدهای آن بود (همان: ۲۸۶). برای نمونه، در سال‌های ۱۲۲۶ تا ۱۲۸۵ ق / ۱۸۱۱ تا ۱۸۶۸ م بین رعایای و مالکان روستاهای لنگرود اختلاف ملکی به اوج خود رسید ولی با وساطت کدخدایان و فتوای روحانیون به نفع مالکان خاتمه یافت (اسناد ملی ایران، شماره ۹۹۹۹/۲۹۶). لذا با گسترش مالکین شهری و استثمار روستاییان، وضعیت زندگی اقتصادی و اجتماعی روستاییان شمالی بدتر شد (نادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۸۸).

از نکات مهم حرکت‌های دهقانی، حضور زنان در جنبش مشروطه گیلان بود. زیرا زنان در امور اقتصادی به ویژه کشاورزی بسیار فعال بودند، به همین دلیل در جریان جنبش‌های روستایی و شهری مشارکت داشتند. به طوری که در برخی موارد، زنان رعیت به همراه مردان خود، دادخواهی می‌کردند و به بست می‌نشستند مثلاً زنان لاهیجان اعلام کردند: «از دست ظلم حاجی میرزا حسین و اولاد میرزا عبدالوهاب مستوفی به جان آمده‌ایم...» (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۳۹۴). همچنین زنان رشت نیز از پرداخت مالیات زیاد شکایت کردند (همانجا). در کرگانرود نیز زنان از ظلم نصرالله‌خان و کسان او جلای وطن کرده و در بقعه شیخ صفی به بست نشستند (همان: ۳۹۵). همچنین، زنان گیلانی به همراه مردان خود نسبت به توطئه مشترک علی‌اصغر خان اتابک و محمدعلی شاه علیه مشروطه و مجلس، در شهرهای رشت، انزلی، لنگرود و لاهیجان بپا خاستند و بازارها را بستند. زنان با چوبدستی به بازارها آمدند و مانع مردان در باز کردن مغازه‌هایشان شدند (رابینو، ۱۳۶۸: ۱۰).

با افزایش استبداد دوره محمدعلی شاه و هرج و مرج منطقه بین سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۷ ه.ق، توان اقتصادی دهقانان ضعیف‌تر شد، این امر در خیزش بیشتر جنبش مردمی گیلان مؤثر بوده است. اهداف عمده شورش‌های روستایی و پیشه‌ووری در گیلان دوره محمد علی شاه، مخالفت با مالکین و خوانین، حذف مالیات‌های اضافی و بهره مالکانه بود. مثلاً در فومن، صادق‌الرعا، مالک ثروتمند را به دلیل عملکرد ظالمانه‌اش، به قتل رساندند (بشیری، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۲۲). همچنین رعایا در برخی روستاها، مالکین را به

خاطر رفتار ظالمانه آن‌ها، مجبور به ترک روستاها نمودند (رابینو، ۱۳۶۸: ۳۷-۳۹). در گرکانرودتالش، مردم به دلیل ظلم و غصب املاک توسط خان گرکانرود بر ضدش شورش کردند و او را از تالش اخراج (۱۳۲۸ هـ ق) و املاکش را تصرف نمودند (نیکیتین، ۱۳۵۶: ۱۰۳). همچنین اعتصابات کشاورزان در رشت، به اخراج زمینداران و مباشران از روستاها انجامید (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۰۹).

شواهد گوناگون، بیانگر آگاهی جامعه دهقانی و روستایی گیلان از حقوق خویش و مبارزه برای اخذ آن از مالکین و گروه‌های ذی نفوذ بود. کشاورزان و روستاییان گیلان با آشفته‌گی اوضاع حکومت و منطقه، خود را آزاد دانسته و سرکشی می‌کردند. آن‌ها معنی سلطنت مشروطه را در ندادن مالیات و آزادی می‌دانستند (آدمیت، ۱۳۵۵: ۷-۴۷۶؛ رابینو، ۱۳۶۸: ۶). به همین دلیل در جریان مشروطه‌خواهی گیلان، کشاورزان روستایی به همراه قشرهای شهری چون صنعتگران، بازاریان و تجار، عناصر محرکه انقلاب را تشکیل می‌دادند.

۴- وضعیت اقتصادی اقشار شهری گیلان و تأثیر آن در برپایی جنبش مشروطه

گیلان

برای بررسی اقتصاد شهری گیلان، ابتدا باید نگاهی به اقتصاد ایران کرد. اقتصاد ایران در این دوره، معیشتی و خودکفا بود. به سبب فقدان امکانات ارتباطی مناسب، نبود راه‌های مطمئن، فقدان امنیت و پراکندگی مراکز تولیدی و تجاری، تبادل کالا فقط در صورت تولید مازاد رخ می‌داد، در نتیجه انباشت سرمایه صورت نمی‌گرفت. این اقتصاد دور از اقتصاد جهانی و تجارت خارجی آن نیز محدود بود (ملایی توانی، ۱۳۹۱: ۱۴۰). صادرات مازاد تولید، به سبب تقسیم کار ناقص و قوانین نابرابر، اغلب سود اندکی را نصیب شاه، درباریان، بازرگانان و زمین‌داران می‌کرد و اکثریت توده‌های شهری و روستایی را دچار تنگدستی می‌نمود و به زوال اقتصاد و جامعه منجر گردید (فوران، ۱۳۷۷: ۲۲۲-۲۲۳). در چنین اقتصادی، زمین‌داران به ثروت هنگفت می‌رسیدند، دهقانان در شرایط اسفبار اجحاف و بی‌عدالتی می‌زیستند. فشارهای مضاعف باعث شد که تعدادی از آن‌ها به جنبش‌های سیاسی بپیوندند (شاکری، ۱۳۸۴: ۱۲۵-۱۲۶).

گیلان نیز از چنین مشکلاتی مستثنی نبود. این ایالت در آستانه انقلاب مشروطیت، تحت سلطه حکومت استبدادی قاجار از بی‌عدالتی، ویرانی و فقر رنج می‌برد. علاوه بر آن، نفوذ و سلطه روزافزون رژیم توسعه‌طلب روسیه تزاری، از میان رفتن کارگاهها و صنایع بومی مانند ابریشم بافی در رقابت با کالا و

سرمایه خارجی، ورشکستگی بازرگانان، کسبه و صاحبان حرف مختلف، چپاول کشاورزان گیلانی توسط مالکین و مهاجرت عده‌ای به خارج از گیلان برای پیدا کردن کار و کسب روزی، موجب نابودی و تحلیل توان اقتصادی مردم منطقه شد. رسم پیشکش نیز از رسومی بود که جور و فشار را بر مردم شهری و روستایی گیلان تشدید می‌کرد. حکام ولایات، پیش از حرکت به سوی محل مأموریت خود، می‌بایست مبلغی به شاه به‌عنوان پیشکش هدیه نمایند، سهم گیلان به روایت فخرائی در پرداخت این پیشکش صد هزار تومان بود (فخرائی، ۱۳۷۱: ۱۴). به این شکل، مردم شهری و روستایی، انواع فشار و ناملایمات را بر دوش خود احساس می‌کردند. لذا هنگامی که در سال ۱۲۸۷ هـ ق ناصرالدین شاه از گیلان دیداری به عمل آورد، وضع مردم به سبب شیوع بیماری در کرم ابریشم نامناسب بود، به همین خاطر شاه دستور داد مالیات آن‌ها را کاهش دادند (رابینو، ۱۳۷۴: ۵۵۳). گیلان، از سال ۱۸۶۴ م / ۱۲۸۱ ق تا پایان سال ۱۸۶۶ م / ۱۲۸۳ ق به دلیل بیماری کرم ابریشم، شاهد کاهش ۷۶ درصدی تولید ابریشم و ۷۲ درصدی درآمدهای حاصل از صدور ابریشم بود. این امر اثرات مخربی بر اقتصاد شهری گیلانی گذاشت (سیف، ۱۳۷۳: ۱۲۶).

علاوه بر این مسائل، بلایای طبیعی نیز در ضعف و فقر مردم در این دوران مؤثر بوده است. برای مثال، در تابستان ۱۲۹۴ هـ ق رشت با طاعون رو به رو شد و حدود چهار هزار نفر را کشت (رابینو: همانجا؛ پرتو، ۱۳۷۹: ۵۶۲). طاعون نیز اثرات مخربی بر نیروی کار و امکانات تولید داشت. ابوت در گزارش سال ۱۸۵۸ م / ۱۲۷۵ ق درباره اثرات طاعون می‌نویسد، دو سوم جمعیت گیلان در اثر این مصیبت از بین رفتند (سیف، ۱۳۷۳: ۲۳۹). طاعون و قحطی سال‌های ۱۸۳۰ - ۱۸۳۲ م / ۱۲۴۶ - ۱۲۴۸ ق دهقانان ایران و به‌خصوص شمال کشور و از جمله گیلان را آسیب پذیر کرد (همان: ۲۴۹). همچنین، در تابستان ۱۳۰۹ هـ ق بیماری وبا، در گیلان حدود ۱۲ هزار نفر را به هلاکت رساند (رابینو، ۱۳۷۴: ۵۵۷). علاوه بر این، در ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۰ هـ ق بلای وبا در همه جا اوضاع را دگرگون کرد، به‌طوری که دکتر فووریه (Fauvrièr) در کتاب خود می‌نویسد: «ما در تمام طول این راه که دایرترین راههای ایران به شمار می‌رود، یک قافله ندیدیم، فقط به دویا سه دسته قاطر برخورداریم که مختصر باری بر پشت داشتند» (فووریه، ۱۳۶۳: ۳۱۰). همو در جای دیگر می‌نویسد: «اوضاع مسافربری از طهران به گیلان به علت شیوع وبایی که از شمال و جنوب راه یافته بود، به کلی بی‌ترتیب شده است» (همان: ۳۱۲). شیوع بیماری وبا در سال‌های ۱۳۱۰ و تابستان ۱۳۱۱ هـ ق، آمار تلفات انسانی در شهر رشت و سایر نقاط گیلان را به دوازده هزار و هشتصد و بیست نفر رساند (کاظم بیکی، ۱۳۸۵: ۱۰۷). تداوم شیوع وبا، از جهات اقتصادی آثار منفی در گیلان داشت. زیرا تولید برنج را تا بدان حد کاهش داده بود که دولت ایران

مجبور شد از صدور برنج گیلان ممانعت کند (۱۳۱۱ هـ ق). علاوه بر آن، آتش‌سوزی‌های مکرر رمقی برای ساکنین گیلان باقی نگذاشته بود.

قشرهای پیشه‌ور، تجار و تحصیل‌کردگان شهری به‌خصوص در شهرهای رشت و انزلی، از گروه‌های پیشرو جنبش شهری بودند که از طریق باکو با اروپا ارتباط برقرار می‌کردند و از تحولات مشروطه‌خواهی آنجا آگاه بودند. این امر در خیزش جنبش مشروطه‌خواه گیلان تأثیر گذار بوده است. برای مثال، در سال ۱۳۲۱ هـ ق، ۲۲/۲ درصد کارگران نفتی باکو را ایرانیان تشکیل می‌دادند که در ایجاد فرقه اجتماعیون عامیون باکو نقش فعالی داشتند و تجربیات زیادی در انقلاب روسیه کسب کردند (Afary, 1991, vol. 23: pp. 141, 143). همچنین، در سال ۱۳۲۶ هـ ق نزدیک به هفت هزار کارگر، بازرگان و پیشه‌ور آذربایجانی و گیلانی در باکو اقامت داشتند و درگیر انقلاب روسیه بودند (کشاورز، ۱۳۴۷: ۵۴؛ Bayat, 2002. v. 56: p. 524). تمامی اینها به دلیل شرایط مناسب جغرافیایی گیلان با محافل انقلابی برون منطقه‌ای ارتباط داشتند و از شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی کشور، ناراضی بودند.

وضعیت اداره عدلیه و مالی گیلان به‌خصوص شهر رشت نیز نامساعد بود. روزنامه جنوب گزارشی در تاریخ هشتم بهمن ۱۲۸۹ هـ ق در این زمینه ارائه می‌دهد که بیانگر اوضاع نامساعد ادارات مذکور است. در مورد عدلیه می‌نویسد: «... عدلیه بالمره کلمه عدالت را لکه دار کرده است، خاصه ریاست آنکه داماد حاجی خمایی است. در هر سه ماه، دوماه و بیست و نه روز عدلیه را در محاق تعطیل انداخته است...» (روزنامه جنوب، ۱۲۸۹، شماره ۶: ۷). در مورد اداره مالیه می‌نویسد: «... اداره مالیه هرچه وصول می‌کند فوری باید به حواله مساعده مرکز بپردازد...» (همانجا). این گزارش‌ها، حاکی از اوضاع نامناسب اقتصادی و اجتماعی گیلان بود و حتی بعد از اعلان مشروطیت و ایجاد عدالتخانه از طرف مظفرالدین‌شاه (در سال ۱۳۲۴ هـ ق)، باز هم گیلان و رعایای فقیر آن از مزایای آزادی، عدالت و قانون برخوردار نبودند (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۷۱: ۷-۵۲۶). در نتیجه با بلایای طبیعی و فشار مالیاتی و سوءمدیریت حکام محلی شرایط بر تولیدکننده شهری و روستایی، بسیار سخت شد. لذا در آستانه مشروطیت، اکثریت اقشار شهری و روستایی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود ناراضی بودند، به همین جهت مشارکت فعالی در جریان مشروطه‌خواهی داشتند.

۵- تأثیر مسائل اقتصادی گیلان بر انجمن‌های صنفی و سیاسی گیلان در آستانه

مشروطه

نارضایتی اقتصادی و اجتماعی جامعه گیلان، تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری انجمن‌های سیاسی شهری گیلان داشت. انجمن ابوالفضل یا عباسی در واقع شاخه‌ای از فرقه مجاهدین رشت بود که تعداد آنان را پانصد تن ذکر کرده‌اند (آدمیت، ۱۳۵۵: ۴۷۱). بیشتر آن‌ها را پیشه‌وران، کسبه، دکانداران، واعظان و دهقانان تشکیل می‌دادند (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۱۱-۲۱۲). هدف این انجمن، حفظ منافع مردم در برابر زورگویی‌های دولتمردان و کمک به بهبود وضع شهر و ارزان ساختن مایحتاج زندگی مردم بود (بشیری، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۳-۵۲) لذا بیشتر بر مبنای اهداف اقتصادی فعالیت داشتند. از انجمن‌های بزرگ دیگر گیلان، انجمن مجاهدین انزلی از شعبه اجتماعيون عاميون بود که نقش برجسته‌ای در قیام ماهیگیران انزلی علیه امتیازنامه لیانازوف روسی داشت (بشیری، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۲۳؛ آدمیت، ۱۳۵۵: ۴۷۱). در آستانه شکل‌گیری مشروطه، تأثیر مسائل اقتصادی بر اصناف شهری چشم‌گیری بود. در انزلی اصناف ماهیگیران و کارگران آن، از بزرگ‌ترین گروه‌های ناراضی در گیلان را تشکیل می‌دادند. با افزایش فعالیت ناوگان بزرگ ماهیگیری روسیه در گیلان، فعالیت ماهیگیران گیلانی محدود شد و ماهیگیران شرکت شیلات شمال در حد یک کارمند صرف تبدیل شدند. در نتیجه اعتراضات گسترده آن‌ها را در پی داشته است. در بندر انزلی بیش از سه هزار ماهیگیر اعتراض نمودند و خواستار کنترل کامل بر صنعت ماهیگیری شدند (Dailmi, 2013, [iranicaonline/Gilan](http://iranicaonline.com/Gilan)). در ادامه با افزایش استبداد و ضعف حکام منطقه و شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی، توان اقتصاد شهری گیلان بین سال‌های ۱۳۲۵-۱۳۲۷ ه.ق ضعیف‌تر شد و این امر علت اصلی خیزش جنبش‌های شهری گیلان بود. زیرا هدف عمده شورش‌های اصناف شهری و پیشه‌وری در گیلان آستانه مشروطه، مخالفت با مالیات‌های اضافی و بهره مالکانه بود.

۶- مداخله روس‌ها در اقتصاد منطقه و تأثیر آن در برپایی جنبش

مداخله روس‌ها در گیلان، از نکات قابل تأمل در تضعیف اقتصاد منطقه بود. زیرا بعد از معاهده ترکمانچای (۱۲۴۳ ه.ق) نفوذ روس‌ها در منطقه شمال افزایش یافت و آنها به غارت منابع طبیعی و

صنعتی گیلان دست زدند، این امر در افزایش نارضایتی مردم منطقه تأثیرگذار بوده است. برای نمونه، از اوایل قرن چهاردهم هجری / بیستم میلادی سرمایه‌داران روسی به جنگل‌های گیلان روی آوردند و به غارت منابع طبیعی پرداختند. تجارتخانه کوسیس و تئوفیلاکتوس (Kosis and Taofilakatos) یونانی تحت حمایت دولت روس در سال ۱۳۰۷ هـ ق، همزمان با دریافت امتیاز زیتون گیلان، امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌های گیلان و مازندران را گرفتند (حسنی، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۶؛ اشرف، ۱۳۵۹: ۶۲-۶۳). این شرکت دست به غارت منابع جنگلی شمال زد و توانست سرمایه خود را در حدود سال ۱۳۲۰ هـ ق به ۵۰۰ هزار روبل افزایش دهد (اشرف، ۱۳۵۹: ۶۳). امتیاز بهره‌برداری از شیلات شمال در سال ۱۲۹۳ هـ ق به لیانازوف (Lianozov) روسی داده شد. وی با تأسیس شرکت شیلات، به غارت ماهی شمال پرداخت و در حق ماهیگیران بومی اجحاف زیادی کرد (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۹۳-۳۰۳). همچنین سرمایه‌داران روسی در زمینه تجارت قند و فروش نفت تصفیه شده در گیلان سود زیادی بردند و به مردم اجحاف می‌کردند (اشرف، ۱۳۵۹: ۶۲ و ۶۴).

احداث راه شوسه انزلی - قزوین توسط روسها، نارضایتی‌های را در بین مردم منطقه ایجاد کرد. مسئولیت این پروژه با کمپانی بیمه و حمل و نقل روسی بود. کار احداث راه توسط کمپانی روسی با استقبال اهالی همراه نشد و مخالفت علنی آن‌ها را در پی داشت (کاظم بیکی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). ملاکین و کشاورزانی که اراضی آن‌ها در مسیر راه قرار داشتند، با کار شرکت مخالفت می‌کردند. تجار نیز به خاطر عوارض حق العبور، از احداث راه ناراضی بودند. در نتیجه مداخلات روسها در منطقه به خصوص در بخش اقتصادی، نارضایتی بسیاری را به همراه آورد و مردم را در مخالفت علیه آن‌ها و دولت قاجار، مصمم‌تر کرد. همچنین با رشد مالکیت خصوصی و تجاری شدن کشاورزی، کشاورزان گیلانی از سوی روس‌ها مورد استثمار قرار می‌گرفتند. از جمله، پیش خرید محصولات کشاورزان توسط تجار ایرانی و روسی، آن‌ها را مجبور می‌کرد محصولات خود را به نرخ کمتری از قیمت واقعی بفروشند، در نتیجه کشاورزان فقیرتر می‌شدند (نادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۸۹).

قزاق‌های روس گاهی اوقات به پشتوانه حکام محلی مانند امیر مکرّم، از کشاورزان مالیات زیادی طلب و حتی محصولات آن‌ها را تخریب می‌کردند (اسناد ملی ایران، شماره ۲۴۰/۷۲۲۳). در نتیجه به علت نظارت نکردن دولت مرکزی و عدم دخالت حکام محلی، روس‌ها حتی در امور روستاییان دخالت می‌کردند، این امر بر وخامت اوضاع زندگی کشاورزان و نارضایتی آن‌ها می‌افزود (نادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۸۹). فرجام سخن اینکه بعد از قرارداد ترکمانچای و اخذ امتیاز کاپیتولاسیون و افزایش نفوذ روس در ایران، بسیاری از دولتمردان و اشراف زمین دار گیلانی به روسیه متمایل شدند و تحت لوای دولت روسیه

قرار گرفتند. این‌ها با حمایت روس‌ها از آزادی عمل بیشتری برخوردار شدند و این امر بر اجحاف زمین‌داران و روستاییان بومی می‌افزود و سبب نارضایتی بیشتر از دولت و حکام قاجار گردید.

نتیجه

عوامل متعددی در شکل‌گیری جنبش مشروطه گیلان نقش داشته است که علت اصلی آن، به مشکلات و مصائب اقتصادی و اجتماعی مردم منطقه بر می‌گشت. مشکلاتی چون حکومت استبدادی، نابودی صنایع، کشاورزی و سلطه مالکین، در تحلیل توان اقتصادی و معیشتی مردم نقش عمده‌ای داشته است. همچنین، افزایش نفوذ روس‌ها در منطقه، در بحران اقتصادی به‌خصوص غارت منابع طبیعی و صنعتی گیلان تأثیرگذار بوده است. لذا اقشار مختلف جامعه گیلان به دلیل مشکلات معیشتی و اقتصادی و شرایط نامطلوب اجتماعی، به شکلی خودجوش و آگاهانه، برای احقاق حقوق خود و مبارزه با مالکین و گروه‌های ذی‌نفوذ وارد جنبش مشروطه شدند. نکته دیگر اینکه، از لحاظ اجتماعی نیز اقشار مختلف شهری و روستایی گیلان، تحت نفوذ مالکان و اربابان ثروتمند، در مضیقه و تنگنا بودند و از وضعیت مناسبی برخوردار نبودند. مسأله‌ای که بر شدت نارضایتی اجتماعی مردم می‌افزود، تغییر مداوم حکمرانان و بی‌عدالتی آن‌ها بود. این امر نه تنها فرصتی برای اجرای برنامه‌های حکومتی به دست نمی‌داد بلکه تنش‌های سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای را تشدید می‌کرد. در نتیجه بر اثر مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم شهری و روستایی، تعادل جامعه گیلان برهم خورد و زمینه‌های وقوع جنبش مشروطه گیلان با کمک عوامل دیگری چون فکری و فرهنگی فراهم گردید.

منابع

- آدمیت، فریدون، (۱۳۵۵)، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، ج ۱، تهران: پیام.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار*، تهران: آگاه.
- اشرف، احمد، (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه*، تهران: زمینه.

آفاری، ژانت، (۱۳۷۹) *تقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون .

بشیری، احمد (گردآورنده)، (۱۳۶۶) *کتاب نازنجی*، ترجمه حسین قاسمیان، ج ۱، تهران: نشر پرواز.

پرتو، افشین، (۱۳۷۹) *تاریخ گیلان از آغاز تا برپایی جنبش مشروطه*، رشت: حرف نو.

تیموری، ابراهیم، (۱۳۳۲) *عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران*، تهران: اقبال.

رابینو، ه ل، (۱۳۷۴) *ولایات دارالمرز ایران گیلان*، ترجمه جعفر خمایی زاده، چاپ چهارم، رشت: طاعتی.

رابینو، (۱۳۶۸) *مشروطه گیلان*، به کوشش محمد روشن، چاپ اول، رشت: طاعتی.

روزنامه جنوب، (۱۲۸۹)، گزارش اوضاع گیلان در عصر مشروطه، هشتم بهمن، ۱۲۸۹، شماره ۶، ص ۷.

روکس بروف، رایان، (۱۳۶۹) *نظریه های توسعه نیافتگی*، ترجمه علی هاشمی، تهران: نشر سفیر.

سیف، احمد، (۱۳۷۳) *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: نشر چشمه.

شاکری، خسرو، (۱۳۸۴) *پیشینه های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی*، تهران: اختران.

فخرائی، ابراهیم، (۱۳۷۱) *گیلان در جنبش مشروطیت*، چاپ سوم، تهران: انقلاب اسلامی.

فووریه، ژوانس، (۱۳۶۳) *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال، چاپ دوم، تهران: علمی.

فوران، جان، (۱۳۷۷) *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.

کاساکوفسکی، کلنل و.ا. (۱۳۴۴) *خاطرات*، ترجمه عباسقلی جلی، تهران: سیمرغ (امیرکبیر).

کرمانی، ناظم الاسلام، (۱۳۷۱) *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج سوم، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.

کشاوری، کریم، (۱۳۴۷) *گیلان*، تهران: ابن سینا.

نیکیتین، بازیل، (۱۳۵۶) *خاطرات و سفرنامه*، ترجمه علی محمد فره وشی (همایون)، چاپ دوم، تهران: معرفت.

مقالات

پورمحمدی املشی، نصرالله، (۱۳۸۶) «نگرشی جامعه شناختی به جنبش های روستایی گیلان در عصر مشروطه»، *فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ*، دانشگاه محلات، سال دوم، شماره هفتم، پرتال علوم انسانی، صص ۵۱-۷۱.

حسینی، سید رحمان، (۱۳۸۷)، جایگاه برادران کوسیسی و تنوفیلاکتوس در تجارت چوب میان ایران و روسیه در عصر قاجار با تکیه بر اسناد آرشیوی، *فصلنامه گنجینه اسناد*، ش ۷۲، زمستان، صص ۲۱-۳۴.

فاخته جوبنه، قربان، (۱۳۷۱)، «اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی گیلان در آستانه مشروطیت» *مجله گیلان‌نامه*، به کوشش، م. پ، جکتاجی، جلد سوم، رشت، طاعتی.

کاظم بیکی، محمد علی، (۱۳۸۵)، «مردم، علما و توسعه در عصر قاجار: راه گیلان»، *نشریه فرهنگ (ویژه تاریخ)*، پژوهشگاه علوم انسانی تهران، شماره ۶۰، زمستان، صفحات ۹۱-۱۴۲.

ملائی توانی، علیرضا، (۱۳۹۱)، «تبیین ریشه های اجتماعی اقتصادی انقلاب مشروطه»، *مجله تحقیقات تاریخ / اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۳۵-۱۵۹.

نادی، زهرا، بهشتی سرشت، محسن، محمدی، ذکراالله و عادلفر، باقر، (۱۳۹۶)، «رشد مناسبات اربابی و تأثیر آن بر زندگی کشاورزان در دوره قاجاریه، با تأکید بر ایالت های شمالی ایران»، *دانشگاه اصفهان*، *مجله پژوهش های تاریخی*، سال ۵۳، دوره جدید، سال نهم، شماره چهارم پیاپی ۳۶، صص ۲۷۷-۲۹۲.

اسناد

سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۶/۱۹۰۶۱

سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۹۶/۹۹۹۹

سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۴۰/۷۲۲۳

منابع لاتین

Bayat, mongol (reviewed), (2002), origins of social democracy in modern iran by cosroe chaqueri, *middle east journal*, vol.56, no. 3 summer, pp.523-525.

Dailami, Pezhmann, (2013), Gilan in the constitutional revolution of 1905-1911, *Encyclopaedia Iranica*, may 20, www.iranicaonline.com/articles/gilan-viiia.

Afary, Janet, (1991), peasant rebellions of the Caspian during the Iranian constitutional revolution, 1906-1909, *international journal of middle east studies*, Cambridge university, vol.23. no.2 may, pp.137-161.